

مطالعه و بررسی امکان صدور مجوز تعدد زوجات زوج بعد از تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

رسول احمدی فر*^۱

محمد کاکاوند^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۲

چکیده

ازدواج مجدد مرد به عنوان حقی مستقل یا ضمانت اجرای تمکین زوجه، یکی از مسایل حوزه حقوق خانواده است. قبل از تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، قانون سال ۱۳۵۳ بر این موضوع حاکم بود و تحت شرایطی آن را مجاز می دانست. در قانون سال ۱۳۹۱ مقررات مربوط به ازدواج مجدد در متن لایحه پیشنهادی وجود داشت و با توجه به اعتراض هایی که به آن شد از متن نهایی قانون حذف شد. به علت سکوت قانون سال ۱۳۹۱، این سؤال ایجاد می شود که در وضعیت فعلی، چه مقرراتی بر ازدواج مجدد مرد حاکم است؟ در این خصوص، سه نظر وجود دارد و در این پژوهش بعد از بررسی و مطالعه هر سه نظر و مبانی آنها و براساس سابقه قانون گذاری و قوانین موجود در این حوزه و روند تصویب قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱، نظری اختیار و تقویت شد که براساس آن در وضعیت فعلی، نهاد ازدواج مجدد از سیستم حقوقی ایران حذف شده است. در این شرایط در مواردی که مرد قصد ازدواج مجدد دارد، بایستی همسر خود را طلاق داده، سپس ازدواج نماید.

کلیدواژه

اجازه ازدواج، ازدواج مجدد، تمکین، حمایت از خانواده، خانواده

۱. (نویسنده مسئول) استادیار گروه حقوق دانشگاه ملایر. ملایر، همدان، ایران.

R_ahmadifar@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه ملایر. ملایر، همدان، ایران. Kakavandm1362@gmail.com

مقدمه

در منابع فقه امامیه بدون اختلاف نظر، ازدواج مجدد مردان مجاز است و با استناد به آیه سوم سوره نساء، مردان می‌توانند با چهار زن به صورت دائم و در یک زمان ازدواج نمایند (استیفای عدد) و در ازدواج موقت محدودیت عددی ندارند (خویی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷). قانون مدنی در خصوص امکان یا منع ازدواج مجدد مرد با بیش از یک زن ساکت است. برای نخستین بار در قوانین ایران در قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶، در مورد ازدواج مجدد مقرراتی تصویب شد. ماده ۱۴ این قانون بدون شرط برای مرد، این حق را شناسایی نموده بود که از دادگاه تحصیل اجازه ازدواج مجدد نماید. در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳، این اختیار محدود شد. صدر ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ مقرر داشته بود: «مرد نمی‌تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار نماید». این ماده در ادامه، استثنائاتی قائل شده بود که صرفاً در آن موارد مرد می‌توانست درخواست ازدواج مجدد از دادگاه نماید. به این ترتیب در صورتی که یکی از شرایط مذکور وجود داشت، مرد می‌توانست از دادگاه درخواست اجازه ازدواج مجدد نماید. ماده ۲۳ لایحه پیشنهادی قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ به مسئله جواز تعدد زوجات پرداخته بود. این ماده در جریان تصویب این قانون، با اعتراض‌هایی که به آن شد، در تصویب نهایی از متن قانون حذف شد و این قانون در مورد ازدواج مجدد حکمی ندارد و صرفاً یکی از صلاحیت‌های دادگاه خانواده در بند ۴ ماده ۴ این قانون رسیدگی به درخواست ازدواج مجدد مرد می‌باشد. ماده ۵۶ این قانون نیز در بیان مجازات متصدیان دفاتر اسناد رسمی، یکی از تخلفات آنها را ثبت ازدواج مجدد بدون حکم دادگاه دانسته است.

با توجه به سابقه شرعی و قانونی تعدد زوجات و حذف ماده مربوط به جواز تعدد زوجات از قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۹۱، این مسئله مطرح می‌شود که آیا در قوانین فعلی حق ازدواج مجدد برای مرد شناسایی شده است و دادگاه خانواده صلاحیت رسیدگی به درخواست ازدواج مجدد را دارد؟ آنچه منشأ این سؤالات می‌شود، وضعیت قوانین سابق و نحوه تصویب قانون سال ۱۳۹۱ در مورد حمایت از خانواده است: به این ترتیب که قانون مدنی در مقام بیان حکم ازدواج مجدد مرد بوده و شرایط زمان تصویب نسبت به وضعیت کنونی

جامعه مناسب‌تر برای بیان جواز بوده، لیکن سکوت کرده است. قوانین حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ تحت شرایط مشخص ازدواج مجدد زوج را به رسمیت شناخته بودند، ولی ماده ۲۳ لایحه پیشنهادی قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ (قانون فعلی)، که ازدواج مجدد زوج را شناسایی کرده بود، در متن نهایی حذف شد. در نتیجه اقدام قانون‌گذار در حذف ازدواج مجدد از متن نهایی در جایی که در مقام بیان حکم بوده، دلالت بر این دارد که قانون‌گذار ازدواج مجدد را از قانون حمایت خانواده حذف نموده است.

مفهوم‌شناسی اصطلاحات

۱. ازدواج مجدد

ازدواج مجدد در این پژوهش به این معنی می‌باشد که زوج با وجود داشتن همسر دائم یا موقت، اقدام به ازدواج با زن دیگری نماید و در یک زمان، دو یا چند زن داشته باشد. ازدواجی که به این صورت شکل می‌گیرد، تحت عنوان تعدد زوجات شناسایی می‌شود (بداغی، ۱۳۸۷، ص ۳).

۲. مجوز ازدواج مجدد

مجوز ازدواج مجدد عبارت است از حکم دادگاه که بعد از درخواست زوج و با احراز شرایط لازم صادر می‌شود. مرجع صدور این مجوز دادگاه خانواده محل اقامت زن اول است (بند ۴ ماده ۴ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱)؛ زیرا زن اول خوانده محسوب می‌شود و دعوی بایستی به طرف او طرح گردد.

۳. قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

لایحه این قانون در تاریخ ۱۳۸۶/۰۵/۰۱ توسط دولت به مجلس تقدیم شد و در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ مجلس شورای اسلامی آن را تصویب کرد و در ۱۳۹۱/۱۲/۱۹ به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید.

۴. قانون مدنی

علی‌رغم تصویب قانون حمایت خانواده، همچنان قانون مدنی به‌عنوان یکی از منابع اصلی

روابط زوجین در عقد ازدواج محسوب می‌شود.

۵. قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳

این قانون مصوب ۱۳۵۳/۱۰/۱۶ و مشتمل بر ۲۸ ماده و ده تبصره می‌باشد و قسمت‌هایی از آن که به موجب قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ نسخ نشده، همچنان معتبر است.

۶. مقررات مذهبی

مقررات مذهبی اعم از مقررات فقه اسلامی برای مسلمانان و مقررات مذاهب سایر ادیان، یکی از منابع حقوق خانواده می‌باشد.

۱. پیشینه

در خصوص ازدواج مجدد مرد و مسئله تعدد زوجات قبل از تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. بعد از تصویب قانون سال ۱۳۹۱ و علی‌رغم اینکه این قانون به جز بند ۴ ماده ۴ قانون حمایت خانواده، که یکی از صلاحیت‌های دادگاه خانواده را رسیدگی به درخواست اجازه ازدواج مجدد دانسته، در ارتباط با مجاز یا ممنوع بودن ازدواج مجدد، شرایط تجویز ازدواج مجدد زوج و حقوق زن در صورت ازدواج مجدد مرد ساکت است، در خصوص موضوع پژوهش تحقیقی صورت نگرفته است.

قبل از تصویب این قانون، براساس مقررات قانون مدنی و قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، برخی سکوت قانون مدنی در مورد ازدواج مجدد را دلیل بر مخالفت قانون‌گذار با ازدواج مجدد دانسته‌اند (رفیعی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷؛ صابری، ۱۳۹۳، ص ۸۷). در مقابل برخی این سکوت را دلالت بر جواز آن (ازدواج مجدد) به‌عنوان پیش‌فرض و امری مسلم دانسته‌اند (کرمی و سجادی امین، ۱۳۸۹، ص ۸۹). رویه دادگاه‌ها نیز در رسیدگی به درخواست‌های ازدواج مجدد مرد یکسان نیست. برخی همچنان به ماده ۱۶ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ استناد می‌کنند (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۰۱۲ صادره از شعبه ۸ دادگاه خانواده شهر ری، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۱۷۲۵ صادره از شعبه ۲۸۳ دادگاه عمومی خانواده تهران،

دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۰۰۰۹۴۶ صادره از شعبه ۲۸۷ عمومی تهران، نظریه مشورتی شماره ۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۵ و نظریه مشورتی شماره ۱۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۶) و برخی نظر بر نسخ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ و رجوع آزاد به منابع شرعی و حذف موانع قانونی ازدواج مجدد مرد دارند (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۰۰۰۹۴۶ مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۳ صادره از شعبه ۲۸۷ دادگاه عمومی تهران).

۲. روش شناسی

روش انجام این پژوهش توصیفی از نوع موردی می باشد؛ به این ترتیب که از بین تمام مسایل حقوقی که در روابط زوجین و حوزه حقوق خانواده وجود دارد، صدور مجوز ازدواج مجدد زوج انتخاب شد. سپس با یافتن مقررات حاکم در این حوزه و تحلیل و توصیف آنها، اراده واقعی قانونگذار استخراج شد.

۳. مبانی تعدد زوجات

۳-۱. ادیان و مذاهب دیگر

مذاهب مختلف با تعدد زوجات به صورت یکسان برخورد نکرده اند. برخی آن را منع کرده اند و پاره ای پذیرفته اند. «چندهمسری مردان دارای پیشینه بلندی در تاریخ اقوام مختلف و قوانین جوامع و ادیان گوناگون است. این رفتار در اجتماعات نخستین، امر مناسبی بوده؛ زیرا عدد زنان بر مردان فزونی داشته است. از لحاظ بهبود نسل هم، باید گفت چندگانی بر تکگانی فعلی ترجیح داشته است» (ویل دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۷). مرد به عنوان جنس غالب مجاز به تعدد زوجات بود و می توانست با هر تعداد زن ازدواج نماید. عوامل دیگری از جمله وضعیت مالی مرد، در این خصوص تعیین کننده بود. «هنگامی که دین مسیح ظهور کرد، چندگانی از بین رفت و لااقل در اروپا، زن منحصر به فرد صورت اساسی و رسمی ازدواج را تشکیل داد» (ویل دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۸). زرتشت، یهود، هندو و بودا چندزنی را مجاز می دانستند. اسلام با چندزنی موافقت کرد، ولی آن را محدود به عدد چهار نمود (امامی، ۱۳۹۲، ص ۶۲). برخی از پیامبران چند همسر داشته اند. قرآن کریم در این خصوص می فرماید: *وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا*

رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَ ذُرِّيَّةً وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ

«ما پیش از تو [نیز] رسولانی فرستادیم و برای آنها همسران و فرزندان قرار دادیم و هیچ رسولی نمی‌توانست [از پیش خود] معجزه‌ای بیاورد مگر به فرمان خدا! هر زمانی نوشته‌ای دارد [و برای هر کاری، موعدی مقرر است]» (رعد، ۳۸). این آیه اشاره دارد که انبیا نیز دارای خانواده بوده‌اند (چون واژه اَزْوَاجاً دلالت بر جمع دارد؛ یعنی همسران) و از میان زنان قوم خود، زوج‌هایی را انتخاب و با آنان ازدواج می‌نمودند و فرزندان صالحی را تربیت می‌کردند. حضرت ابراهیم^(ع) دارای دو همسر بوده است: سارا و هاجر که هر کدام یک فرزند داشته‌اند و آنها نیز پیامبر بودند (حضرت اسماعیل^(ع) و اسحاق^(ع)). حضرت یعقوب^(ع) چند همسر داشته است؛ حضرت یوسف^(ع) و بنیامین^(ع) از یک مادر و برادران دیگر از زنان دیگر بوده‌اند. حضرت یوسف^(ع) نیز خودش در ابتدا همسر داشت و در ادامه با زلیخا ازدواج کرد (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۱۳۱؛ جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۲۱؛ شبستری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۷۶؛ حیدری ابهری، ۱۳۸۶، ص ۶۵).

۲-۳. اسلام

در اسلام در مورد ازدواج مجدد، رویه یکسان نیست. این رویه را می‌توان به پنج دسته تقسیم نمود: ۱. قرآن؛ ۲. روایات؛ ۳. سیره پیامبر (ص)؛ ۴. رویه اهل سنت؛ ۵. رویه اهل تشیع.

۱-۲-۳. قرآن

آیه ۳ سوره نساء درخصوص چندزنی مقرر داشته: «و اگر بیم آن داشتید که نتوانید درباره دختران یتیم [در صورتی که با آنها طبق رسم آن روز ازدواج کنید] عدالت ورزید، پس با آنچه میل‌تان باشد، از زنان [دیگر] دوتایی یا سه‌تایی یا چهارتایی ازدواج نمایید و اگر بترسید از اینکه مبدا عدالت نورزید، پس به یک زن یا کنیزی که خریده‌اید، اکتفا کنید. این کار نزدیک‌تر است به آنکه منحرف نشوید و ستم نکنید». مفسران طبق این آیه گفته‌اند که مردان می‌توانند چهار همسر دائمی اختیار کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۴۴؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۳۴). کلمه «مثنی» بر وزن مفعول است و کلمه «ثلاث» و «رباع» بر وزن فعال است و این دو وزن (مفعول و فعال) در باب اعداد، دلالت بر تکرار ماده

می‌کند؛ در نتیجه معنای مثنی «دوتا دوتا» و معنای ثلاث «سه‌تا سه‌تا» و معنای رباع «چهارتا چهارتا» است و چون خطاب در آیه به تمامی مردم است و نه به یک نفر، لذا باید هریک از این سه کلمه را با حرف «واو» از دیگری جدا کرد تا تخییر را برساند و این معنا را افاده کند که هریک از مؤمنین اختیار دارند در اینکه دو یا سه یا چهار نفر همسر برای خود انتخاب کنند. از آنجا که کل مردم در اینجا مخاطب می‌باشند، عده‌های «دو»، «سه» و «چهار» باید در قالب کلماتی ادا شوند که بیانگر تکرار است که آن کلمات عبارت‌اند از: «مثنی»، «ثلاث» و «رباع» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۶۶). چنان‌که از ظاهر آیه برمی‌آید و نظرات مفسران بر آن دلالت دارد، تعدد زوجات یک امر مشروع است.

۲-۲-۳. روایات

در مورد مشروعیت تعدد زوجات می‌توان به سه گروه از روایات استناد کرد:

الف. از اطلاق‌گیری برخی روایات می‌توان نتیجه گرفت که تعدد زوجات امری جایز و حتی مستحب است. امام باقر^(ع) می‌فرماید: «لَيْسَ شَيْءٌ مِّبَاحٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ النِّكَاحِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۵۴): هیچ چیز مباحی در پیشگاه خداوند، محبوب‌تر از ازدواج نیست. هرچند این روایت دلالت برای استحباب ازدواج می‌کند، می‌تواند به تعدد زوجات نیز دلالت داشته باشد؛ چون ازدواج باعث دوری از فحشا و گناه می‌شود و نصف دین را کامل می‌کند.

ب. برخی روایات دلالت دارند که مرد می‌تواند بی‌نهایت ازدواج موقت انجام دهد: «وَرَوَى حَمَّادٌ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ^(ع) عَنِ الْمُتَعَةِ أَيُّهَا مِنَ الْأَرْبَعِ قَالَ لَا وَ لَا مِنَ السَّبْعِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۵۱؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۴۷؛ همو، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۵۸). ابوبصیر گوید: از امام صادق^(ع) در مورد متعه پرسیدند که آیا از جمله چهار زن عقدی‌ای که شخص حق دارد یک زمان در حباله نکاح داشته باشد، محسوب می‌شود؟ فرمود: نه و نه! از هفتاد متعه، یکی عقدی حساب نمی‌شود. این روایت بیان می‌کند که مردان فقط می‌توانند چهار زن دائمی عقد کنند، ولی ازدواج موقت هر چندتا که صورت بگیرد، در حد یک ازدواج دائم نیز محسوب نمی‌شود. «وَسَأَلَهُ الْفَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ عَنِ الْمُتَعَةِ فَقَالَ هِيَ كَبَعْضِ إِمَائِكَ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۶۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۳۰۵؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۴۶۶):

فضیل بن یسار از آن حضرت^(ع) درباره متعه پرسید (که تا چند تن می‌توان متعه کرد و حکم آن چیست؟) و حضرت فرمود: متعه حکمش مانند کنیزان تو است. این روایت بیان می‌کند که ازدواج موقت همانند ازدواج با کنیز است؛ یعنی محدودیتی ندارد. این دو روایت بیان می‌کنند که تعدد زوجات امری جایز است و گرنه شارع آن را ممنوع اعلام می‌کرد.

ج. برخی هم از روایات دلالت دارند که مرد می‌تواند تا چهار زن، زوجه بگیرد: «قَالَ الصَّادِقُ^(ع) لَا يَحِلُّ لِمَاءِ الرَّجُلِ أَنْ يَجْرِيَ فِي أَكْثَرِ مِنْ أَرْبَعَةِ أَرْحَامٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۵۱۸؛ مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۰۰، ص ۳۸۶): برای مرد حلال نیست که با بیشتر از چهار زن آزاد درآمیزد. با این احکام، شارع جواز تعدد زوجات را صادر و دلایل این امر را نیز در برخی موارد ذکر کرده است که مهم‌ترین آن، دوری از فحشا و زنا است؛ چراکه اگر مرد نتواند ارضای جنسی شود، به دنبال فحشا و زنا می‌رود. از طرف دیگر، اگر زن شوهر نکند، امیال جنسی بر او فشار می‌آورند و آن را به فحشا و زنا می‌کشاند.

۳-۲-۳. سیره پیامبر (ص)

در مورد تعدد زوجات نیز، اسلام تنها دینی نیست که چندهمسری را روا شمرده است (الحسنی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۱۲۶). تاریخ روزگار باستان تصریح می‌کند که مشرکان پیش از اسلام بی‌هیچ محدودیت یا قانونی زنان متعدد می‌گرفتند. یک مرد گاهی با بیست یا سی زن ازدواج می‌نمود و این رسم همچنان تا ظهور اسلام در میان عرب باقی بود (همان، ص ۱۲۸): ولی اسلام تنها دینی است که به امور ازدواج سامان داده و شمار همسران را معین نموده است؛ آن هم هنگامی که برای چندزنی دلیلی وجود داشته باشد و میان همسران عدالت رعایت شود. خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ، فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً، أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (پس با زنانی که برای شما پاکیزه باشد، دو تا و سه تا و چهارتا ازدواج کنید و اگر ترسیدید که به عدالت رفتار نکنید، پس یکی یا کنیزکانی که مالکشان هستید. این به ستم نکردن نزدیک‌تر است) (نساء، ۲ - ۳). از قول و فعل و تقریرات نبی اکرم^(ص) نیز مشخص است که ایشان بر تعدد زوجات تأکید داشته است. مثلاً در مورد فعل می‌توان گفت: ایشان خود زنان زیادی را به عقد خود در آورده است (بهایی، ۱۴۲۹ ق، ص ۶۶۲؛ شاهرودی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۳۰۵)؛ مثل حضرت خدیجه،

ام سلمه، زینب، عایشه و ... (آرمسترانگ، ۱۴۲۵ ق، ص ۲۶۰؛ العالمی، ۱۴۲۹، ص ۳۲). در مورد قول ایشان نیز می‌توان به روایات زیادی اشاره کرد؛ از جمله روایتی که منجی عالم بشریت، مردم را به ازدیاد فرزند تحریض می‌کرده و مشهور است که فرموده: زن بگیرد و فرزند بیاورد تا من به تعداد فراوان شما حتی به کودکان سقط شده بر دیگر امت‌ها مباحات کنم (شریف قرشی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۵۵۱). تقریر ایشان نیز این طور بود که به تازه‌مسلمانانی که بیش از چهار همسر داشتند، دستور می‌فرمود که جز چهار زوجه بقیه را رها کنند (بیهقی، ۱۳۴۴، ج ۷، ص ۱۴۹)؛ یعنی ایشان تعدد زوجات دائم را منحصر در چهار کرده بود. پیامبر اکرم (ص) بعد از وفات حضرت خدیجه (س) چند همسر به ازدواج خود در آورد. زنان ایشان عبارت‌اند از: سوده بنت زمعه، عایشه، حفصه دختر عمر بن خطاب، زینب دختر خزیمه بن حارث، ام حبیبیه، رمله دختر ابوسفیان، ام سلمه، هند دختر ابوامیه مخزومی، زینب بنت جحش دختر عمه رسول خدا، جویریة دختر حارث بن ابی‌ضرار، صفیه دختر حی بن اخطب از یهود بنی‌نضیر، میمونه دختر حارث بن حزن (گرچی، ۱۴۲۱ ق، ص ۲۷ - ۲۹).

۳-۲-۴. اهل تسنن

اهل سنت با الگوبرداری از نبی اکرم (ص) و صحابه خصوصاً خلفا، به تعدد زوجات روی آورده‌اند؛ از این رو بوده است که صحابه و خلفا نیز به تعدد زوجات توجه داشته‌اند؛ مثلاً برخی گفته‌اند: در تعداد زنان هیچ اسراف و وجود ندارد یا عمر گفته است: من زن می‌گیرم ولی حرصی در زناشویی ندارم و با آنها می‌آمیزم ولی شهوتی در این مورد ندارم. به او گفتند: پس چرا زن می‌گیری؟ گفت: برای آنکه پیروان فراوانی برای پیامبر بیاورم (شریف قرشی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۵۵۲). اهل سنت با پیروی از عمر، فقط قائل به حلیت عقد دائم هستند و عقد موقت را حلال نمی‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۳۴۱؛ راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۱۰۶؛ حلبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۵۹). نبی اکرم (ص) هم عقد دائم و هم عقد موقت را حلال دانسته است و خود بزرگان اهل سنت به این رویه اعتراف کرده‌اند؛ مثلاً از ابن مسعود نقل می‌کنند که فرموده است: در غزوه‌ای با رسول خدا (ص) بودیم و زنان ما همراهان نبودند. به حضرت (ص) عرض کردیم: اجازه می‌دهید خود را اخته کنیم؟ پیامبر (ص) ما را از این کار نهی فرمود و به ما اجازه داد تا مدت معینی با زنی ازدواج کنیم (بخاری، بی‌تا، ج ۷، ص ۴).

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت: هرچند اهل سنت به پیروی از نبی اکرم (ص) تا چهار زن می‌گرفتند و تعدد زوجات داشته‌اند، ازدواج موقت را قبول نمی‌کنند و آن را ازدواج نمی‌دانند؛ درحالی‌که در تشیع، ازدواج موقت خود نوعی ازدواج محسوب می‌شود.

۳-۲-۵. اهل تشیع

شیعیان به پیروی از ائمه علیهم السلام، قائل به حلیت عقد دائم در چهار زن و حلیت عقد موقت در بی‌نهایت هستند که همین اعتقاد نشان می‌دهد که شیعیان به تعدد زوجات توجه خاصی داشته‌اند؛ یعنی همین که کسی که یک زن دائمی دارد و یک زن موقت، در واقع دارای تعدد زوجات است. حتی شیعیان قائل هستند که ازدواج دائم با غیرمسلمانان جایز نیست، ولی ازدواج موقت را جایز می‌دانند (طبرسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۳۶؛ سبزواری، ۱۴۲۱ ق، ص ۴۳۷): «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ بْنِ أَبِي نَبِيٍّ عَنْ أَبِي بَرْدٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَا بَأْسَ بِأَنْ يَتَزَوَّجَ الْيَهُودِيَّةَ وَالنَّصْرَانِيَّةَ مُتَعَةً وَعِنْدَهُ امْرَأَةٌ» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۲۵۶): اشکالی ندارد که مرد مسلمان زن مسیحی و یهودی را تزویج موقت کند، هرچند کنار او زن مسلمان باشد. این دیدگاه نشان می‌دهد که شیعه به تعدد زوجات توجه داشته و حتی ازدواج با غیرمسلمان را برای این گونه موارد، جایز شمرده است.

امام علی (ع) بعد از شهادت حضرت زهرا سلام الله، چندین همسر اختیار کرده است. آنچه در کتب تاریخی معتبر نقل شده، امیرالمومنین (ع) در مجموع با ده زن ازدواج کرده است، اما هنگامی که به شهادت رسید، چهار همسر داشت (مولوی‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶)؛ مثل امامه دختر ابوالعاص، اسما دختر عمیس، فاطمه دختر حزام (ام‌البینین) و... امام حسن (ع) دارای چند همسر بوده است؛ مثل خوله، ام‌اسحاق، ام‌بشیر، حفصه، هند، جعد و ... (شریف قرشی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۴۵۵ - ۴۶۰). امام حسین (ع) نیز چند همسر داشته است؛ مثل «لیلا» دختر ابی‌مره بن غروه مادر حضرت علی‌اکبر (ع) که در کربلا به شهادت رسید، «حرار» (آزاده) یا «غزاله» یا «شهربانو» دختر یزدگرد و مادر علی بن الحسین امام سجاد (ع)، «رباب» مادر پسری به نام عبدالله رضیع (ع) (علی‌اصغر که در آغوش پدر در کربلا هدف قرار گرفت و شهید شد) و نیز مادر دختری به نام سکینه که در فاجعه کربلا به اسارت درآمد، «ام‌اسحاق» دختر طلحه بن

عبدالله و مادر دختری به نام فاطمه، «قضاعیه» مادر جعفر^(ع) که در زمان حضرت درگذشت (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۵، ص ۳۲۹).

۴. دلایل عقلی منقول برای تعدد زوجات

۱. مردان زیادی به علت جنگ و آفت‌های دیگر کشته و زنان زیادی بی‌سرپرست می‌شوند و شوهر برای زنان مجرد کمیاب می‌شود. در نتیجه زنان زیادی هستند که بدون شوهر هستند و فشارهای جنسی آنها را به راه‌های حرام می‌کشاند و برای اینکه زنان و مردان به کارهای حرام روی نیاورند، باید مردان چند همسر بگیرند. شهید مطهری در این مورد بیان می‌کند: «وقتی در یک جامعه در اثر جنگ‌های زیاد یا به علل دیگر، مرد زیاد از بین می‌رود و زن بی‌سرپرست زیاد می‌ماند، اگر بنا شود که آن اصل اولی (که واقعاً هم اصل اولی است)، یعنی وحدت زوجه [حفظ شود و] یک مرد به یک زن اکتفا کند، طبعاً زنان زیادی در جامعه بی‌سرپرست می‌مانند؛ هم حق آنها از نظر حق تأهل ضایع شده و هم منشأ مفاسدی در اجتماع می‌شوند. وقتی آن زن‌ها بی‌سرپرست ماندند، دارای عقده‌های روحی می‌شوند، ناراحتی پیدا می‌کنند و بعد می‌آیند مردها را می‌فریبند و منشأ فساد اخلاق می‌شوند. پس در چنین مواردی به حکم ضرورت اجتماعی باید تعدد زوجات را تجویز کرد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۱، ص ۴۴۷ و ۴۴۸).

۲. زنان زودتر از مردان باروری جنسی خود را از دست می‌دهند. سن جنسی زنان کمتر و برعکس سن جنسی مردان بیشتر است. این افزایش سن جنسی مردان بر زنان گاهی موجب اختلالاتی در جامعه می‌شود که تنها از طریق تعدد زوجات حل می‌شود و اگر از این طریق حل نشود، سر از فحشا درمی‌آورد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ق، ج ۴، ص ۱۰۰).

۳. زنان به دلیل وضعیت بدنی، در سال‌های خاصی دارند، مثل دوران عادت ماهیانه، دوران بارداری، مریضی و ... که زنان در این مواقع نمی‌توانند مردان خود را ارضا کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۹۸) و مردان در دوران‌های خاص زنان، بدون بهره می‌شوند و لذا به سمت گناه و به دنبال فحشا می‌روند. در نتیجه مردان با گرفتن زنان شرعی می‌توانند در دوران‌های خاص زنان، از نیازهای جنسی بهره ببرند و به دنبال فحشا و گناه نروند.

۴. برخی زنان نمی‌توانند صاحب فرزند شوند یا از فرزندآوری ترس دارند یا به علت بیماری از آوردن بچه، ممنوع هستند. مردان به فرزند و بچه نیاز و علاقه دارند ولی اگر همسر به هر دلیلی نتواند فرزند بیاورد، تکلیف و حق شوهر چه می‌شود (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۶۱۶). در نتیجه مردان برای فرزندآوری به سراغ همسر دیگر می‌روند.

۵. تعدد زوجات در قانون‌گذاری

منابع قانونی حقوق ایران در خصوص ازدواج مجدد شامل قانون مدنی، قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲ و قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم دادگستری مصوب ۱۳۱۲ می‌باشد.

۱-۵. قانون مدنی

در قانون مدنی هیچ اشاره‌ای به تعدد زوجات نشده و این قانون در موضوع تعدد زوجات ساکت است. این سکوت قانون‌گذار را متفاوت تفسیر کرده‌اند. برخی این سکوت را دلیل بر مخالفت قانون‌گذار با ازدواج مجدد دانسته (رفیعی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷) و در مقابل برخی این سکوت را دلالت بر جواز آن به عنوان پیش‌فرض و امری مسلم دانسته‌اند (کرمی و سجادی امین، ۱۳۸۹، ص ۸۹). سکوت قانون در مورد امکان تعدد زوجات مرد از جهتی ممکن است دلالت بر تجویز آن داشته باشد و از جهتی دلالت بر منع آن. با توجه به اینکه قانون‌گذار در مقام بیان موانع نکاح بوده، الزامی در بیان موارد مجاز نداشته و با سکوت بر این موضوع نظر بر مجاز بودن ازدواج مجدد مرد بر اساس منابع شرعی داشته است. در نتیجه قانون مدنی در این خصوص نمی‌تواند به عنوان منبع حقوق زوجین در نظر گرفته شود و به این منظور بایستی به منابع دیگر مراجعه نمود.

هرچند قانون مدنی در خصوص اصل تجویز ازدواج مجدد ساکت است، بعضی از مواد آن به نوعی است که برخی از آن استنباط جواز ازدواج مجدد نموده‌اند؛ از جمله ماده ۱۱۱۹ این قانون در بیان شروط ضمن عقد نکاح، یکی از اقسام شروط مجاز را چنین بیان نموده است:

«هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی، خود را مطلقه سازد». در این خصوص همچنین به مواد ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۴۲، ۱۰۴۸ و ۱۴۹ استناد شده است (کرمی و سجادی امین، ۱۳۸۹، ص ۸۹).

۲-۵. قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶

قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ برای نخستین بار در سیستم حقوقی ایران، صراحتاً ازدواج مجدد مرد را شناسایی نمود و اختیار مرد در این خصوص را محدود و آن را موقوف به اخذ اجازه از دادگاه کرد (ماده ۱۴). مطابق با ماده ۱۴ این قانون، مرد در صورتی که بخواهد ازدواج مجدد نماید (با داشتن زن، همسر دیگری اختیار نماید)، باید از دادگاه تحصیل اجازه کند. دادگاه موضوع را بررسی می‌کند و در صورتی که مرد اجازه می‌داد که توانایی مالی مرد و قدرت او به اجرای عدالت را احراز کرده باشد (افروز، ۱۳۹۶، ص ۱۶۶). در این قانون، تعدد زوجات مستقیماً به رسمیت شناخته نشده بود و ازدواج مجدد زوج صرفاً مشروط بر احراز تمکن مالی و اجرای عدالت بود. در صورت ازدواج بدون رضایت زوجه، زن می‌توانست به موجب بند ۲ ماده ۱۱ از دادگاه درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش نماید.

۳-۵. قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳

در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳، ازدواج مجدد مرد (با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند) ممنوع شد و مطابق با ماده ۱۶ این قانون مرد در صورت داشتن زن، نمی‌توانست همسر دوم اختیار نماید. این قانون با وجود مخالفت با ازدواج مجدد مرد، تحت شرایطی امکان ازدواج مجدد مرد را شناسایی نموده بود. این شرایط عبارت بودند از: رضایت همسر اول، عدم توان همسر اول به ایفای وظایف زناشویی، عدم تمکین زن از شوهر، ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸، محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸، ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸، ترک زندگی خانوادگی از طرف زن، عقیم بودن زن، غایب یا مفقودالثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸. با دقت در موارد مذکور در ماده ۱۶ این قانون مشخص می‌شود که این قانون برای مرد به صورت ذاتی حق ازدواج مجدد را

شناسایی نکرده است و به‌جز مورد نخست و اجازه همسر اول، سایر موارد ناظر به تخلفات ارادی یا قهری همسر اول در انجام وظایف زناشویی می‌باشد. در نتیجه نمی‌توان این قانون را به‌عنوان منبع تجویز ازدواج مجدد به‌صورت مطلق دانست.

۴-۵. قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۲

در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار موضوع ازدواج مجدد را ساکت گذاشته و صرفاً بند ۴ ماده ۴ این قانون در بیان صلاحیت دادگاه خانواده، یکی از امور و دعاوی داخل در صلاحیت دادگاه خانواده را «ازدواج مجدد» دانسته است. مواد دیگر این قانون در این خصوص ساکت است و ماده ۵۶ در بیان مجازات متصدیان دفاتر اسناد رسمی یکی از تخلفات آنها را ثبت ازدواج مجدد بدون حکم دادگاه دانسته است.

برخی با توجه به وضعیت این قانون، امکان استناد به قانون حمایت از خانواده ۱۳۵۳ را مطرح نموده‌اند (روشن، ۱۳۹۲، مندرج در <https://www.sbu.ac.ir>) و معتقدند که قانون سال ۱۳۵۳ در مسئله ازدواج مجدد نسخ نشده است. درمقابل برخی قائل به نسخ کامل قانون حمایت از خانواده ۱۳۵۳ هستند و به حذف نهاد ازدواج مجدد از قانون حمایت از خانواده نظر دارند (صابری، ۱۳۹۳، ۸۷). با توجه به اینکه در متن لایحه پیشنهادی این قانون، ماده ۲۳ به ازدواج مجدد مرد پرداخته بود و در تصویب نهایی، این ماده از متن قانون حذف شد، نمی‌توان این حذف را بی‌فایده تلقی نمود؛ بلکه بایستی این مسئله را دلیلی برای این دانست که قانون‌گذار با هدف حذف نهاد ازدواج مجدد، اقدام به حذف این ماده نموده است.

۵-۵. رویه قضایی

در رویه قضایی بعد از تصویب قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۲ رویه‌های متفاوتی در محاکم شکل گرفته است: برخی قائل به اعتبار قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ در این خصوص هستند، برخی نظر به نسخ کامل و مراجعه آزاد به منابع شرعی دارند و برخی به نسخ قانون سال ۱۳۵۳ و حذف نهاد ازدواج مجدد از سیستم حقوقی ایران نظر دارند.

۶-۵. معتبر بودن قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳

برخی محاکم بعد از تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۲، قائل به حاکمیت قانون حمایت

خانواده سال ۱۳۵۳ بوده‌اند و با استناد به ماده ۱۶ آن، درخصوص تجویز ازدواج مجدد حکم صادر می‌کنند. شعبه ۸ دادگاه عمومی خانواده شهر ری به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۰۱۲ با استناد به ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ در رسیدگی به خواسته اذن ازدواج مجدد مرد با این استدلال که زوجه علی‌رغم محکومیت به تمکین، به منزل مشترک رجوع ننموده است، به زوج اجازه داده که یک نوبت دیگر ازدواج دائم نماید.

۷-۵. نسخ قانون سال ۱۳۵۳ و مراجعه به منابع فقهی

دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۰۰۰۹۴۶ مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۳ صادره از شعبه ۲۸۷ دادگاه عمومی تهران با استدلال به اینکه «با توجه به محتویات قانون اخیرالتصویب حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱، در این رابطه هیچ‌گونه شرط اثباتی یا سلبی برای زوج در راستای ازدواج دوم وی مقرر نگردیده و مقررات ماده ۱۶ قانون سابق حمایت خانواده نیز با وصف وضع قانون جدید حمایت خانواده، نمی‌تواند قابل استناد و اتکای قطعی جهت احراز موضوع باشد و برفرض نیز قابل استناد باشد، با توجه به مراتب صدرالذکر این شرایط محقق است. بناءً علی‌هذا این دادگاه با احراز موضوع و ضرورت اولیة ازدواج مردان و به لحاظ نیاز روحی و جسمی و جنسی زوج و پرهیز وی از ارتکاب گناه احتمالی، دعوی خواهان را ثابت تشخیص داده است»، دعوی صدور حکم بر ازدواج مجدد زوج را وارد دانسته و اقدام به صدور رأی نموده است. در مرحله تجدیدنظر، این رأی به علت اثبات نشدن ملائت زوج نقض شده و سایر استدلالات دادگاه بدوی نقض نشده است. در صدور این دادنامه، دادگاه بر نسخ کامل قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ و حاکمیت مقررات شرعی درخصوص ازدواج مجدد نظر داشته است.

۶. قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم

دادگستری مصوب ۱۳۱۲

درخصوص ایرانیان غیرشیعه، با توجه به اینکه ازدواج مجدد مرد در دوران زناشویی مانند ازدواج، جزء احوال شخصیه می‌باشد (زاده‌رهنی و فریدی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷؛ باریکو، ۱۳۸۴، ص ۵۸)، قانونی وجود ندارد و مطابق با بند ۱ این قانون، باید به منابع مذهبی ایرانیان غیرشیعه

مراجعه نمود. در رویه محاکم در مورد مسائل مربوط به ازدواج و طلاق، دادگاه مراجعه به منابع فقهی را لازم دانسته است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۹۹۰۰۰۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۳۱ صادره از شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور). این در حالی است که در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۲، تصریحی بر اینکه در مسائل مرتبط با خانواده بایستی به منابع فقهی دارندگان مذاهب دیگر به جز شیعه مراجعه نمود، وجود ندارد. البته این سکوت قانون‌گذار ظاهراً به واسطه غلبه و منابع قانونی است که این امور را داخل در احوال شخصیه می‌داند و براساس آن در مورد احوال شخصیه، از جمله ازدواج و طلاق، بایستی به قواعد مذهبی فرد مراجعه نمود. هرچند این تفسیر از قانون براساس منطوق شاید صحیح باشد، لیکن با توجه به رفتار قانون‌گذار، بایستی نظری را تقویت نمود که مسائل مذکور در قانون حمایت خانواده از حوزه احوال شخصیه خارج شده و برای همه ایرانیان احکام واحدی در مورد آنها جاری است؛ زیرا با توجه به اینکه احوال شخصیه موضوعی است که ظاهراً بایستی براساس مذهب افراد باشد، قانون‌گذار این قاعده را در مورد ایرانیان شیعه نپذیرفته و برای این افراد قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده را وضع نموده است. یقیناً بین مقررات مسلم فقه تشیع و مقررات قانون مدنی و قانون حمایت خانواده در خصوص مسائل مربوط به ازدواج و طلاق تفاوت‌هایی وجود دارد. بر این اساس، به نظر می‌رسد با تصویب قوانین حمایت از خانواده، مسائل مذکور در حوزه این قوانین از مسائل احوال شخصیه خارج و در مورد همه ایرانیان به صورت واحد اعمال نظر شود.

یافته‌های پژوهش

قانون مدنی در خصوص ازدواج مجدد مرد ساکت است. قانون حمایت خانواده سال ۱۳۴۶ آن را با شرایطی مجاز دانسته است و قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ ازدواج مجدد را منع می‌کرد و تحت شرایط خاص مجاز می‌دانست. در لایحه پیشنهادی قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۲، ماده ۲۳ به ازدواج مجدد اختصاص داشت و به واسطه مخالفت‌هایی که در سطح جامعه توسط حقوق‌دانان و سایر فعالان حوزه خانواده صورت گرفت، این ماده در نهایت از متن نهایی قانون حذف شد و صرفاً بند ۴ ماده ۴ این قانون یکی از صلاحیت‌های دادگاه

خانواده را رسیدگی به درخواست ازدواج مجدد دانست و ماده ۵۶ این قانون نیز به مجازات سردفتران ثبت‌کننده ازدواج بدون اذن دادگاه پرداخته است.

بعد از تصویب این قانون، رویه محاکم و دکتترین حقوقی با توجه به نحوه تصویب این قانون تفاوت داشته است و می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم نمود: الف. نسخ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ و مراجعه به منابع شرعی؛ ب. حاکمیت قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ در خصوص ازدواج مجدد؛ ج. نسخ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ و حذف نهاد ازدواج مجدد از سیستم حقوقی ایران. در خصوص ایرانیان غیرشیعه این قانون ساکت است.

در نهایت به‌عنوان نتیجه‌گیری، باید بنابر دلایل ذیل نظری را تأیید نمود که دلالت بر نسخ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ و حذف نهاد ازدواج مجدد از سیستم حقوقی ایران دارد.

۱. قانون مدنی با وجود اینکه در مقام بیان حکم بوده، از تصریح به حکم اجازه ازدواج مجدد خودداری نموده است. از موادی هم که در قانون مدنی برای احکام تفرعی ازدواج مجدد بیان شده است، نمی‌توان حکم جواز ازدواج مجدد را استنباط نمود؛ بلکه این احکام به‌منظور تکمیل احکام قانون در موارد ضروری بوده است.

۲. در قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، ازدواج مجدد منع و در شرایط خاص به مرد اجازه ازدواج مجدد داده شده است. این موارد استثنایی بوده و نمی‌توان از آنها اجازه مطلق ازدواج مجدد را استنباط نمود.

۳. در جریان تصویب قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱، ماده ۲۳ این قانون که به ازدواج مجدد اختصاص داشت، از متن نهایی قانون حذف شد. این عمل قانون‌گذار عبث و بیهوده نبوده است و براساس اعتراض‌هایی که به آن شد، این حذف اتفاق افتاد. هدف قانون‌گذار از حذف این ماده برگشت به قانون ۱۳۵۳ نبود؛ بلکه هدف تمکین به خواست عمومی جامعه بود. ۴. عرف جامعه و آمار پایین ازدواج مجدد اقتضا می‌کند که برای حفظ منافع گروهی قلیل، خواست عمومی جامعه نادیده گرفته نشود.

۵. هرچند برخی مبنای تجویز ازدواج مجدد را منابع فقهی می‌دانند، لازم به ذکر است که قانون‌گذار (بر فرض مجاز بودن ازدواج مجدد) به‌منظور تمکین از مقررات شرعی، این حکم را مجاز ندانسته است. هدف قانون‌گذار از تجویز این حکم، دادن ضمانت‌اجرا به وظیفه تمکین زن بوده است. در نتیجه استناد به منابع شرعی در تجویز ازدواج مجدد با وضعیت

قانون‌گذاری فعلی سازگاری ندارد. برای دادن ضمانت‌اجرا به وظیفه تمکین زوجه، بایستی به دنبال ضمانت‌اجراهای دیگری بود.

۶. به نظر می‌رسد نظر قانون‌گذار این باشد که در صورتی که مرد به هر دلیل، خواهان ازدواج مجدد باشد، ولو مستند به زوجه، ابتدا بایستی همسر خود را طلاق دهد و سپس به صورت آزاد و بدون مانع ازدواج نماید.

۷. در خصوص ایرانیان غیرشیعه، هرچند قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ازدواج آنان را براساس مذهب خودشان قرار داده، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه قانون حمایت خانواده آنها را استثنا نکرده و مبنای قانون حمایت خانواده بیشتر از آنکه مذهبی باشد، اجتماعی است، ازدواج کلیه ایرانیان را شامل می‌شود.

منابع

- قرآن کریم
- آرمسترانگ، کارن (۱۴۲۵ ق). محمد؛ زندگی‌نامه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم. ترجمه کیانوش حشمتی. تهران: حکمت.
- بیهقی، ابی‌بکر احمد بن حسین (۱۳۴۴ ق). سنن بیهقی. جلد ۷. بیروت: دار المعرفه.
- افروز، ریحانه (۱۳۹۶). «ارزیابی و تحلیل حقوقی جایگاه زنان در قانون جدید حمایت از خانواده با رویکرد حقوق بشر». فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان. ۲(۷). ص ۵۹ - ۱۰۴.
- امامی، مسعود (۱۳۹۲). «فلسفه حکم تعدد زوجات». پژوهش‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده. ۱(۱)، ص ۵۹ - ۸۰.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۴). «قلمرو احوال شخصیه». اندیشه‌های حقوقی. ۳(۸)، ص ۳۷ - ۶۰.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا). صحیح بخاری، بیروت: دار ابن کثیر.
- بداغی، فاطمه (۱۳۸۷). «ازدواج مجدد در کشورهای اسلامی». مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). ۱۰(۴۰)، ص ۲۳۵ - ۲۵۰.
- جرجانی، سید امیر ابوالفتح حسینی (۱۴۰۴ ق). تفسیر شاهی. جلد ۲، تهران: انتشارات نوید، چاپ اول.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. جلد ۲۰. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول.

- حلبی، ابن زهره حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷ ق). *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*. قم: مؤسسه امام صادق^(ع)، چاپ اول.
- حیدری ابهری، غلامرضا (۱۳۸۶). *پرسمان قرآنی کودک*. قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
- الخویی، السید ابوالقاسم (۱۳۷۷). *مبانی العروه الوثقی*، کتاب نکاح. قم: منشورات مدرسه الدار العلم.
- راوندی، قطب‌الدین، سعید بن عبدالله (۱۴۰۵ ق). *فقه القرآن*. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
- رفیعی، محمدتقی (۱۳۸۹). «نقد و بررسی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده مصوب هیأت وزیران ۱۳۸۶». *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ۱۲(۴۸). ص ۸۶-۱۳۲.
- روشن، محمد (۱۳۹۲). www.sbu.ac.ir/Lists/News/DispForm.aspx?ID=9991.
- زاده‌رهنی، محمد و فریدی، حسن (۱۳۸۸). «بررسی مبانی فقهی احوال شخصیه اقلیت‌های دینی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه». *فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن*. ۵(۲۰). ص ۱۰۷-۱۲۸.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ ق). *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*. جلد ۴. دمشق: دار الفکر، چاپ دوم.
- سبزواری، علی مؤمن قمی (۱۴۲۱ ق). *جامع الخلاف و الوفاق*. قم: زمینه‌سازان ظهور امام عصر علیه‌السلام، چاپ اول.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۶ ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام*. قم: مؤسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، چاپ اول.
- شبستری، عبدالحسین (۱۳۷۹). *اعلام القرآن*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، چاپ اول.
- شریف قرشی، باقر (۱۴۱۳ ق). *حیة الإمام الحسن بن علی علیهما السلام*. بیروت: دار البلاغه.
- _____ (۱۳۵۲). *زندگانی حسن بن علی علیهما السلام*. ترجمه فخرالدین حجازی. تهران: بنیاد بعثت.
- صابری، علی (۱۳۹۳). «منسوخ یا معتبر بودن قانون حمایت از خانواده ۱۳۵۳». *فصلنامه رأی*، ۳(۸). ص ۸۵-۸۸.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۶ ق). *علل الشرائع*. جلد ۱. قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۳ ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم، چاپ دوم.

- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. جلد ۴ و ۲۰، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ ق). *المؤتلف من المختلف بین أئمه السلف*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. جلد ۱۰. تهران: ناصرخسرو، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. جلد ۴. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول.
- _____ (۱۴۰۷ ق). *الخلاف*. جلد ۴ و ۷. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الأحکام*. جلد ۳. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- عاملی، بهاءالدین محمد بن حسین و ساوجی، نظام بن حسین (۱۴۲۹ ق). *جامع عباسی و تکمیل آن (محتسبی، ط - جدید)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹ ق). *من وحی القرآن*. جلد ۷. بیروت: دار الملائک، چاپ اول.
- فیض کاشانی، محمدحسن (۱۴۰۶ ق). *الوافی*. جلد ۲۱. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول.
- کرمی، محمدتقی و سجادی امین، مهدی (۱۳۸۹). «نقد و بررسی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ۱۲(۴۸)، ص ۸۵-۱۳۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۴۲۱ ق). *تاریخ فقه و فقهها*. تهران: سمت، چاپ سوم.
- مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰ ق و ۱۳۶۳). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول.
- _____ (۱۴۰۴ ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. جلد ۸. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲). *دایرة المعارف قرآن کریم*. جلد ۷. قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
- مرتضی عاملی، جعفر (۱۳۸۴). *سیرت جاودانه*. ترجمه محمد سپهری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). فقه و حقوق (مجموعه آثار). جلد ۲۱. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
- معروف الحسنی، هاشم (۱۴۱۲ ق). سیرة المصطفی. ترجمه حمید ترقی جاه. تهران: حکمت.
- مکارم شیرازی (۱۴۲۴ ق). کتاب نکاح. ج ۴. قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مولوی نیا، محمدجواد (۱۳۸۴). تاریخ چهارده معصوم. قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، چاپ اول.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
- ویل دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۸۰). تاریخ تمدن. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ویرایش دوم، چاپ ششم (نسخه الکترونیک کامل).

